

# امین احسن اصلاحی و تفسیر تدبر القرآن

○ تقی کیان نژاد

اشاره:

مطالعات قرآنی در شبه قاره و فعالیت‌های مفسران مسلمانان شبه قاره، یکی از حوزه‌هایی است که کمتر مورد توجه محققان ایرانی قرار گرفته است. علت اصلی، ناآشنایی با زبان اردوست. با وجود شهرت سیاسی عالمانی چون ابوالکلام آزاد، مؤلف ترجمان القرآن، و ابوالاعلی مودودی، مؤلف تفسیر تفهیم القرآن (لاهور: مکتبه تعمیر انسانیات و اداره ترجمان القرآن، ۱۳۶۹-۱۳۹۲ ق / ۱۹۴۹-۱۹۷۲ م)، توجه خاصی به آرای قرآنی و تفسیری این عالمان نشده است. این مطلب درباره عالمان دیگر شبه قاره به حدی است که اساساً حتی نامی از آنها در میان اهل تحقیق و قرآن پژوهان مطرح نیست و محققان انگشت‌شماری با نام آنها آشنایی دارند. از میان این افراد می‌توان حمیدالدین عبدالحمید فراهی (۱۲۸۰-۱۳۴۹ ق / ۱۸۶۳-۱۹۳۰ م) و امین احسن اصلاحی (تولد ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م) مؤلف تفسیر مهم تدبر القرآن را نام برد. نوشته حاضر در اصل از کتاب انسجام و نظم در قرآن، نوشته قرآن پژوه پاکستانی مستنصر میر، برگرفته شده که در معرفی آرا و افکار این دو مفسر پاکستانی به رشته تحریر درآمده است.

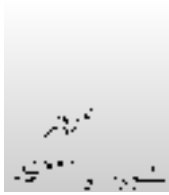
گردآوری کرده‌اند. از میان آثار فراهی می‌توان به مفردات القرآن (هند اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۵۸ ق / ۱۹۳۹ م)، اسالیب القرآن (هند اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م)، جهره‌البلاغه (هند اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م) و امعان فی اقسام القرآن (هند اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۴۹ ق / ۱۹۳۰ م) اشاره کرد. فراهی آرای خاص قرآنی خود را در کتاب‌های دلائل النظم (اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۱۸ ق / ۱۹۶۸ م)، التکمیل فی اصول التاویل (اعظم گره، الدائرة الحمیدیه و مکتوبات، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م) و مجموعه تفسیر فراهی، ترجمه امین احسن اصلاحی (لاهور: انجمن خدام القرآن، ۱۳۹۳ / ۱۹۷۳)، بیان کرده است. مهم‌ترین دیدگاه فراهی درباره مفهوم نظم در قرآن است. به نظر وی، نظم و انسجام ساختاری قرآن علاوه بر انسجام مضمونی آیات است. این عقیده را شاگرد وی، امین احسن اصلاحی، گسترش داد و در تألیف تفسیر مهم خود تدبر القرآن به کار گرفت.

اصلاحی در ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م در بومپور روستایی در ایالت اعظم گره به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات اولیه به مدرسه اصلاح فراهی رفت و در ۱۳۳۱ ق / ۱۹۲۲ م از این مؤسسه فارغ التحصیل شد. وی نخست در مقام روزنامه‌نگار به فعالیت در نشریات پرداخت. در ۱۳۴۴ ق / ۱۹۲۵ م. فراهی دیدار کرد و به پیشنهاد او از روزنامه‌نگاری دست کشید و به سرامیر رفت تا نزد فراهی شاگردی کند. از سال ۱۳۴۴ ق. تا زمان وفات فراهی، پنج سال بعد روابط نزدیکی با وی داشت. اصلاحی نزد فراهی، نه تنها قرآن، بلکه فقه، علوم سیاسی و موضوعات دیگر را فراگرفت. اصلاحی بعد از مرگ فراهی، نزد محمد عبدالرحمان مبارکپوری (۱۲۸۳ / ۱۲۸۴-۱۳۵۴ ق / ۱۸۶۶ یا ۱۸۶۷-۱۹۳۵ م) یکی از بزرگترین عالمان حدیث به فراگیری حدیث پرداخت. سپس به سرامیر بازگشت و به تدریس در مدرسه اصلاح مشغول شد و به کار چاپ کتاب‌های فراهی و انتشار مجله‌ای به نام اصلاح پرداخت. در ۱۳۵۹ ق / ۱۹۴۰ م. به دعوت ابوالاعلی مودودی (۱۳۲۱-۱۴۰۰ ق / ۱۹۰۳-۱۹۷۹ م) به جمعیت تازه‌تأسیس مودودی به نام «جماعت

امین احسن اصلاحی، عالم معاصر پاکستانی (متوفی ۱۹۹۷ م) این نظر را که قرآن اثری فاقد انسجام و نظم است رد کرده و این نظم را در معنی و تفسیر آیات جست‌وجو می‌کند. وی، تفسیر تدبر القرآن را در (هشت جلد) با این رویکرد نگاشته است. اصلاحی در این رویکرد از نظریات استاد خود، حمیدالدین عبدالحمید فراهی، متأثر است. همین امر تأمل بر احوال و آثار فراهی را ضروری می‌سازد. فراهی در فراهی روستایی در نزدیکی اعظم گره (ایالت اوتار پرداش هند) در خانواده‌ای سرشناس به دنیا آمد. محمدمشلی نعمانی (۱۳۳۲-۱۳۷۴ ق / ۱۸۵۸-۱۹۱۴ م)، متکلم و تاریخ‌نگار مشهور هندی، پسر عموی مادری اوست. پس از مطالعه علوم اولیه اسلامی نزد عالمانی که شبلی نعمانی نیز از جمله آنها بود، علوم جدید را در کالج اسلامی علی گره که سر سیداحمدخان (متوفی ۱۸۹۷/۱۳۱۵) تأسیس کرده بود، فراگرفت. فراهی به سرعت توجه سر سیداحمد خان را به خود جلب کرد. احمدخان او را شایسته‌ترین مدرس برای زبان‌های عربی و فارسی در این کالج می‌دانست. فراهی در ایام تحصیل خود در کالج اسلامی علی گره، بخشی از کتاب الطبقات الکبری ابن سعد (متوفی ۲۳۰ ق) را به فارسی ترجمه کرد که به عنوان بخشی از دوس کالج مورد استفاده قرار گرفت.

فراهی کارشناسی الهیات را از دانشگاه الهه آباد دریافت کرد و سالیان باقی عمر خود را به تدریس زبان عربی در مراکز مختلف علمی چون علی گره، دارالعلوم و حیدرآباد سپری کرد. در ایام اقامت در حیدرآباد به فکر تأسیس دانشگاهی افتاد که در آن تمام علوم دینی و علوم جدید به زبان اردو تدریس شود. این اندیشه به تأسیس «جمعه عثمانیه» در حیدرآباد منجر شد. پس از آن به سرامیر، شهری در اعظم گره، رفت و در آنجا «مدرسه اصلاح» را بنیان نهاد. وی سال‌های ۱۳۴۴ ق / ۱۹۲۵ م تا ۱۳۴۹ ق / ۱۹۳۰ م. را در این شهر سپری کرد.

فراهی علاوه بر زبان‌های عربی و فارسی به زبان‌های عبری و انگلیسی آشنایی داشت. وی زبان عبری را از خاورشناس آلمانی ژوزف هورویوتس (۱۸۷۴-۱۹۳۱ م)، استاد مدعو برای تدریس زبان عربی در کالج علی گره، فراگرفت. دانشمندی اصلی فراهی، مطالعات قرآنی است. بیشتر آثار وی را شاگردانش



and Islahi", Journal of Quranic Studies, 1 i (1999), pp. 141-153.

6. "The Quranic Oaths: Farahi's interpretation", Islamic studies, 29i (1990), pp. 5-28 also in Renaissance, 10 vii (2000), pp. 5-26.

7. "The Quranic Adam: the first man and the first prophet", in: Mohamad Tahr, ed., Encyclopaedia survey of Islamic culture, vol.2: studies in Quran, Dehi: Anmol publications, 1997, pp. 76-85.

8. "passives in the Quran: Preliminary notes", in Mustansir Mir and J.E.Fossum, eds., literary heritage of classical Islam: Arabic and Islamic studies in honor of James A. Bellamy, princeton: Darwin press, 1993, pp. 169-179.

9. "The sura as a unity: a twentieth century development in Quran exegesis", in G.R. Hawting and Abdul-Kader A. Shareef, eds., Approaches to the Quran, London: Routledge, 1993, pp. 211-224

10. "Humor in the Quran", Muslim world, 81, iii-iv (1991), pp. 179-193.

11. Dictionary of Quranic terms and Concepts, New York: Galand - 1987.

12. "The Quranic story of Joseph: Plot, themes and characters", Muslim world, 76 (1986), pp. 1-15.

13. "Some features of Mawdudi's Taffhim al-Quran," American Journal of Islamic Social Sciences, 2(1985), pp. 233-244.

14. "The nature of Quranic Legislation", International Journal of Islamic and Arabic studies (مجلة الدراسات الاسلامية والعربية العالمية), 2ii (1985), pp. 13-20

اسلامی» پیوست ولی بعدها در میانه سال ۱۹۵۰ م. به علت اختلافات فراوان، از این گروه خارج شد. وی آرای تفسیری خود را نخست در ماهنامه میثاق، که خود در ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م. بنیان نهاده بود، منتشر کرد. کار تألیف تفسیر تدبر القرآن در ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م. به پایان رسید و اصلاحی در لاهور به تدریس علوم حدیث و آرای تفسیری در حلقه‌ای از علاقه‌مندان خود پرداخت. وی همچنین مجله‌ای با عنوان تدبر منتشر ساخت.

اصلاحی کتاب و مقالات فراوانی تألیف کرده است. از میان آثار او علاوه بر تدبر القرآن و مبدای تدبر قرآن می‌توان به تزکیه نفس (فیض آباد، پاکستان، پسران ملکه (۱۳۸۱/۱۹۶۱)، دعوت دین اور کاطریق کار (لاهور، انجمن خدام القرآن، چاپ سوم، ۱۳۸۳/۱۹۶۳)، اسلامی قانون کی تلونین (لاهور، انجمن خدام القرآن، ۱۳۸۳/۱۹۶۳) و اسلامی ریاست (لاهور، انجمن خدام القرآن، ۱۹۷۸) اشاره کرد. اثر مستنصر میر درباره معرفی فراهی و اصلاحی شامل هفت فصل به این شرح است:

فصل اول، خط سیری از مفهوم نظم در فرهنگ اسلامی؛ فصل دوم، اصول تفسیری فراهی و اصلاحی؛ فصل سوم، بررسی مفهوم وحدت سوره از نظر فراهی و اصلاحی؛ فصل چهارم، بحثی در دیدگاه اصلاحی درباره یکپارچگی سوره‌ها و مقایسه آرای اصلاحی با آرای سیدقطب در فی ظلال القرآن و علامه طباطبایی در المیزان؛ فصل پنجم، بررسی قاعده اصلاحی مبتنی بر مزدوج بودن تمام سوره‌ها؛ فصل ششم و هفتم، بحث درباره تقسیم‌بندی هفت‌گانه اصلاحی از سوره‌های قرآن و نتیجه‌گیری.

دکتر مستنصر میر در ۱۹۴۹ م. در پاکستان به دنیا آمد و در ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹ م. از کالج دولتی دانشگاه پنجاب لاهور، مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد دریافت کرد. همچنین در یکی از حوزه‌های مطالعات اسلامی دانشگاه میشیگان در سطح کارشناسی ارشد مدرک گرفت و در ۱۹۸۳ با نگارش رساله «انسجام و نظم در قرآن» از همین دانشگاه درجه دکتری دریافت کرد. بخش‌هایی از پایان‌نامه دکتری وی پیش از چاپ، به صورت مقاله‌های «مفهوم مزدوج بودن سوره‌ها از دیدگاه اصلاحی»، «مطالعه تطبیقی برخی آیات براساس تفسیر اصلاحی و مفسران دیگر»، «مفهوم دسته‌بندی سوره‌ها از دیدگاه اصلاحی» منتشر شد. متن کامل این مقاله‌ها در کتاب نظم و انسجام در قرآن (American Trust publications 1986/1406) نیز قابل دسترسی است. فهرست آثار قرآنی مستنصر میر به این شرح است:

1. "Islahi's concept of sura-pairs", Muslim world, LXXIII (1983), pp. 22-32.
2. "Comparative study of a few verses in Islahi and other scholars", Hamdard Islamicus, VII (1984), pp. 25-36.
3. "Islahi's concept of sura- Groups", Islamic Quarterly, XXVIII (1984), pp. 73-85.
4. Coherence in the Quran: A study of Islahi's Concept of Nazm in Tadabbur-i Quran, Washington: American Trust publications, 1986/1406.
5. "Fa-qad saghat qulubukuma: the interpretation of Quran 66:4 by Farabi

پی نوشت‌ها:

1. Phreha
2. Azamgarh
3. Aligarh Muslim college
4. Bumhore